

فصل: فی افعال المدح و الذم افعال وضعت لانشاء مدح او ذم فمنها (۱) نعم و بئس و ساء و کل منها یرفع فاعلاً مُعَرَّفًا باللام او مضافاً الی مُعَرَّفٍ بها او ضمیراً مستتراً مَفَسَّرًا بتمییز ثم یُذکر المخصوصُ مطابقاً للفاعل (۲) و یُجَعَلُ مبتدأً مقدماً للخبرِ او خبراً محذوفاً المبتداً نحو نعم المراه هند و بئس نساء الرجل الهندات و ساء رجلاً زید و منها حب و لا حب و هما کنعم و بئس و الفاعل ذا مطلقاً و بعده المخصوصُ و لک (متعلق به یجوز) ان تاتی قبله او بعده بتمییز او حال علی وفقه نحو حبذا الزیدان و حبذا زید راکباً و حبذا امراه هند.

(۱) من تبعیضیه است و یعنی که بعضی از آنها این است و گفتیم که مثلاً مدحتُ هم میتواند باشد.

(۲) تطابق از حیث تذکیر و تانیث و افراد تشبیه و جمع باشد

افعال مدح و ذم:

افعالی که برای انشاء مدح یا ذم به کار میروند. (همگی غیرمتصرف اند)

توجه کنید که این افعال، افعال مدح و ذمی هستند که در مقام انشاء مدح و ذم استعمال میشوند در حالی که ممکن است افعالی باشند مانند مَدَحْتُ یا اَمَدَحُ دارای معنای مدح است اما برای انشاء نیست بلکه خبری است. البته همین مَدَحْتُ نیز میتواند در مقام انشاء استعمال شود اما به علت اینکه حکم خاصی ندارند جزء این موارد بیان نمیشود!

موارد:

حکم موارد ۱ تا ۳ مانند هم و ۴ و ۵ هم مانند هم هستند.

۱. نعم (م)

۲. بئس (ذ)

۳. ساء (ذ)

○ حکم ۱ الی ۳:

(۱) اولاً: این افعال به یک اسم بنابر فاعلیت رفع میدهد که این فاعل از سه حالت

خارج نیست:

(۱) ال دار

■ نَعَمَ الرَّجُلُ زَيْدٌ

(۲) مضاف به ال دار

■ نَعَمَ غُلَامٌ الرَّجُلِ زَيْدٌ

(۳) ضمیر مستتر مفسر به تمییز

■ نَعَمَ رَجُلًا زَيْدٌ

فاعل نعم، هو مستتر است که رجلاً تمییز است.

! این جزء موارد عود ضمیر به مرجع متأخر لفظی و رتبی است و معرفه نیست!

(۲) ثانیاً: بعد از فاعل این افعال اسم مرفوع دیگری به عنوان مخصوص به مدح یا ذم

ذکر میشود. مخصوص به مدح و ذم نقش نحوی نیست و نقش ترکیبی آن یکی

از این دو حالت است:

(۱) خبر برای مبتدای محذوف است و تقدیر جمله این است که نَعَمَ الرَّجُلُ (هو)

زید

(۲) مبتدای مؤخر است و جمله نَعَمَ الرَّجُلِ خبر مقدم است.

۴. لَحَبَّ (ذ)

۵. حَبَّ (م)

○ حکم ۵۴: ... + ذا (فاعل) + مخصوص به مدح یا ذم

■ حَبذا زَيْدٌ او لَحَبذا زَيْدٌ

گاهی قبل یا بعد از مخصوص به مدح یا ذم در این دو حالت، حال یا تمییز مطابق

با مخصوص به مدح و ذم ذکر میشود:

■ حَبذا امْرَأَةً هِنْدٌ یا حَبذا هِنْدُ امْرَأَةً

■ حَبذا زَيْدٌ رَاكِبًا

علت تمییز آوردن این است که نسبت میان خوب بودن و زید ابهام است زیرا

نمیدانیم که از چه حیث زید خوب است؟ بنابراین تمییز می آوریم.

توجه کنید که در حالات ۱ تا ۳ با اینکه نعم نیز خوب بودن را میرساند و بالقوه

میتواند ابهام آفرین باشد اما چون در تمام استعمالات سه گانه بیان شد که رجل

وجود دارد که با وجود آن دیگر ابهامی ایجاد نمیشود حتی در حالت سوم دقیقاً

تمییز است!

گاهی مخصوص به مدح یا ذم به قرینه حذف میشود:

■ نَعَمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (ال عمران/۱۳۶)

در این آیه مخصوص به مدح الجنه است که به قرینه حذف شده است.